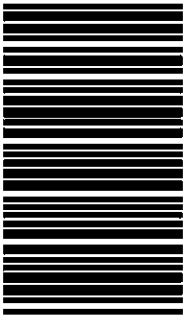


کد کنترل

604A



604A

صبح جمعه  
۱۴۰۴/۱۱/۱۰  
دفترچه شماره ۲ از ۲



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان بنیاد آموزش کشور

«علم و تحقیق، کلید پیشرفت کشور است.»  
مقام معظم رهبری

**آزمون ورودی دوره‌های دکتری (نیمه‌متمرکز) – سال ۱۴۰۵**  
**ترجمه، زبان و ادبیات عربی (کد ۲۱۱۰)**

مدت‌زمان پاسخ‌گویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰ سؤال

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	ترجمه و تعریب متون – صرف و نحو – علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض)	۴۰	۱	۴۰
۲	تاریخ ادبیات عربی – درک و فهم متون ادبی (قدیم و جدید)	۴۰	۴۱	۸۰

استفاده از ماشین‌حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات کادر زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب ..... با شماره داوطلبی ..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

ترجمه و تعریب متون - صرف و نحو - علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض):

■ ■ عین الأصحّ و الأنسب للجواب الصحيح في الترجمة (۱-۷):

- ۱- « أعلنت الحكومة في إطار برنامجها الإصلاحي الطمّوح، عن إرساء مجلسٍ للأمن السيبراني يُكفّف بوضع أطرٍ تنظيمية تعزّز صمود البنى التحتية الوطنية أمام الهجمات الإلكترونية المتصاعدة.»
- ۱) دولت اعلام نمود که با توجه به حملات سایبری روزافزون و در چارچوب برنامه اصلاحی هدفمند خود، دست به تأسیس شورای حفاظت از فضای مجازی زد، که وظیفه وضع چارچوب‌های قانونمندان در جهت تقویت زیرساخت‌های ملی را برعهده دارد.
- ۲) دولت اعلام کرد که در چارچوب برنامه اصلاحی بلند پروازانه خود، شورای امنیت فضای مجازی را تأسیس کرد که مأمور است چارچوب‌های قانونی وضع کند، تا مقاومت زیرساخت‌های ملی در برابر حملات سایبری فزاینده، استحکام یابد.
- ۳) دولت با اعلام تأسیس شورای امنیت سایبری در چارچوب برنامه اصلاحی جاه طلبانه خود، خط مشی قانونی‌ای جهت تقویت زیرساخت‌های ملی معین نمود، تا بدین شکل بتواند در برابر حملات سایبری که روز به روز در حال افزایش است، مقاومت کند.
- ۴) دولت در راستای سیاست‌های اصلاحی خود و با هدف تقویت زیرساخت‌های ملی در جهت مقابله با حملات سایبری، مجلس امنیت سایبری‌ای را تأسیس کرد که وظیفه‌اش وضع قوانین در چارچوب توسعه زیرساخت‌های ملی در مقابل حملات مجازی فزاینده می‌باشد.

۲- « نُفِذَت الْقَوَاتِ الْمُشْتَرَكَةُ فِي الْمُنْطَقَةِ عَمَلِيَّةً اسْتِباقِيَّةً فِي عَمَقِ الْأَرْضِ الْحُدُودِيَّةِ اسْتَهْدَفَتْ شَبَكَةَ لَتَهْرِيْبِ الْأَسْلِحَةِ، وَ اسْفَرَتْ عَنِ ضَبْطِ كَمِيَّاتٍ كَبِيْرَةٍ مِنَ الذَّخَائِرِ وَ الْمَرْكَبَاتِ الْمَهْرَبَةِ»:

۱) ستاد مشترک در منطقه، عملیات پیش‌دستانه‌ای را در عمق اراضی مرزی اجرا کردند که در پی آن شبکه قاچاق سلاح را مورد هدف قرار دادند که منجر به ضبط مقدار زیادی مهمات و وسایل نقلیه قاچاق شد.

۲) نیروهای مشترک منطقه‌ای دست به عملیات پیش‌دستانه‌ای در مناطق مرزی زدند که هدفش مبارزه با شبکه خرید و فروش سلاح بود، در این عملیات از تعداد زیادی مهمات و خودروهای قاچاق پرده برداری شد.

۳) عملیات انجام شده در عمق اراضی مرزی توسط نیروهای ستاد مشترک نه تنها شامل ضبط مهمات و وسایل نقلیه قاچاق شد، بلکه این امر، تأثیر عملی عملیات پیش‌دستانه بر کاهش قاچاق سلاح را به نمایش می‌گذارد.

۴) نیروهای مشترک در منطقه با انجام عملیات غیرقابل پیش‌بینی سعی در منهدم ساختن شبکه قاچاق سلاح داشتند، و با انجام این عملیات در عمق گذرگاه‌های مرزی توانستند به مقدار زیادی از مهمات و وسایل نقلیه قاچاق دست پیدا کنند.

۳- « وَفْقًا لِلتَّقْرِيرِ السَّنَوِيِّ لِلسِّيَاسَةِ الْمَالِيَّةِ، يَجُوزُ لِلْبَنْكِ الْمَرْكَزِيِّ تَعْدِيلَ سَعْرِ الْفَائِدَةِ الْأَسَاسِيِّ إِذَا ظَهَرَتْ مَوْشِرَاتٌ تَضَخُّمِيَّةٌ تَتَجَاوَزُ النِّطَاقَ الْمُسْتَهْدَفَ شَرِيْطَةً أَلَا يُوَدِّي هَذَا التَّعْدِيلَ إِلَى إِرْيَاكِ الْأَسْوَاقِ أَوْ الْإِضْرَارِ بِالاسْتِقْرَارِ النِّقْدِيِّ.»

۱) براساس گزارش سالانه سیاست مالی، بانک مرکزی تنها در صورتی می‌تواند نرخ بهره را تغییر دهد که تورم شدید رخ دهد و بازارها دچار نوسان شوند و بانک‌ها با توجه به حفظ ثبات بازار و عدم آشفستگی می‌توانند نرخ بهره را اصلاح کنند.

۲) براساس گزارش سالانه سیاست مالی، بانک مرکزی با توجه به نشانه‌های تورم می‌تواند نرخ بهره را بالا ببرد و این مورد بستگی به عدم ایجاد بی‌نظمی در بازارها و از بین بردن ثبات دارد، تا بانک‌ها بتوانند مناسب با محدوده هدف اقدام کنند.

۳) طبق گزارش سالانه سیاست مالی، بانک مرکزی مجاز است در صورت بروز نشانه‌های تورمی فراتر از دامنه هدف و به شرط آنکه این اقدام باعث آشفستگی بازارها یا آسیب به ثبات پولی نشود، نرخ پایه بهره را تعدیل کند.

۴) مطابق گزارش سالیانه سیاست مالی، بانک مرکزی می‌تواند اگر علائم تورمی محدود ظاهر شد، نرخ بهره پایه را با توجه به شرایط بازار و ثبات اقتصادی موجود در جامعه افزایش دهد.

۴- « أشار تقرير أمنيّ إلى ازدياد الطائرات المسيّرة الصغيرة في عمليّات البحث عن المخدّرات على امتداد الحدود المائيّة، ما استوجب تعزيز آليات المراقبة و تقوية التعاون الدولي في مجال تنفيذ القانون.»:

(۱) یک گزارش امنیتی، استفاده از پهبادهای کوچک در امتداد مرز دریایی را نشان داد که در عملیات یافتن مواد مخدر شرکت داشته‌اند. همچنین این گزارش بر تقویت سازوکارهای تعقیب و افزایش همکاری‌های بین‌المللی در اجرای قانون تأکید داشت.

(۲) براساس یک گزارش امنیتی، به‌کارگیری پهبادها در عملیات جست‌وجوی مواد مخدر در امتداد مرزهای آبی تصاعدی بوده، که این امر مستلزم مکانیسم‌های نظارتی با هدف افزایش همکاری‌های بین‌المللی در جهت اجرای قانون می‌باشد.

(۳) لزوم تقویت مکانیسم نظارت و توسعه همکاری بین‌المللی در زمینه اجرای قانون، در پی گزارش امنیتی مبنی بر به‌کارگیری پهبادهای کوچک در عملیات دریایی و جهت کشف و ردیابی مواد مخدر مورد تأکید قرار گرفت.

(۴) با اشاره گزارشی امنیتی مبنی بر افزایش به‌کارگیری پهبادهای کوچک در عملیات کشف مواد مخدر در طول مرزهای آبی، تحکیم سازوکارهای نظارت و تقویت همکاری بین‌المللی در زمینه اجرای قانون ضروری است.

۵- « تنصّ اللوائح التنظيميّة لأسواق الأوراق الماليّة على ضرورة إفصاح الشركات المدرجة عن أيّ تغيّر جوهريّ في بياناتها المالية قد يؤثّر على قرارات المستثمرين، بهدف تعزيز الشفافيّة و منع تداول المعلومات غير المتكافئة.»:

(۱) آیین‌نامه‌های بازار سرمایه تصریح می‌کنند که شرکت‌های بورسی باید هر تغییر اساسی در داده‌های مالی خود را که بر تصمیمات سرمایه‌گذاران اثر دارد، به منظور تقویت شفافیت و جلوگیری از گردش رانت اطلاعاتی آشکار کنند.

(۲) قوانین رسمی بازار سرمایه تأکید می‌کنند که شرکت‌های بورسی می‌بایست تغییرات مالی را تنها در پایان دوره گزارش دهند، تا انتشار اطلاعات، منظم بماند و سردرگمی سرمایه‌گذاران کاهش یابد.

(۳) مقررات بازار اوراق بهادار توضیح می‌دهد که شرکت‌های بورسی می‌توانند اطلاعات مالی را در صورت تمایل اعلام کنند، مشروط بر اینکه این اقدام باعث سردرگمی سرمایه‌گذاران نشود.

(۴) مقررات اوراق بهادار بیان می‌کند که شرکت‌های بورسی باید هر تغییر محدود در گزارش‌های مالی خود را اعلام کنند، تا از بروز تبعیض اطلاعاتی و کاهش شفافیت جلوگیری شود.

۶- « ما كان لهذه المبادرة أن تحقّق هذا القبول الواسع لولا أنها نبتعت من حاجة ملحة و روعيت في صياغتها دقائق العلوم الإنسانيّة.»:

(۱) این ابتکار آن قبول عام را محقق نمی‌ساخت مگر آنکه از نیاز فوری نشأت گرفته و در صورت‌بندی آن، نکات دقیق علوم انسانی در نظر گرفته شده باشد.

(۲) این ابتکار نمی‌توانست آن قبول گسترده را محقق کند اگر چه از نیازی فوری سرچشمه گرفته بود و در نگارش آن، دقائق علوم انسانی رعایت شده بود.

(۳) برای این ابتکار ممکن نبود این پذیرش گسترده را تحقق بخشد، اگر از یک ضرورت ناشی نمی‌شد و در تنظیم آن، نظرات علوم انسانی ملاحظه نمی‌شد.

(۴) این اقدام هرگز این پذیرش همگانی را به دست نمی‌آورد مگر اینکه از نیازی مبرم برخاسته باشد و در تدوین آن، ظرافت‌های علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته باشد.

- ۷- « أكد البنك المركزي أن إطلاق منصة تمويل رقمية سيُتيح للشركات الصغيرة و المتوسطة الوصول إلى خطوط ائتمان مرنة و يخفّض تكاليف الاقتراض، و هو ما يُعدّ خطوةً محوريةً في تنمية الاقتصاد الرقمي الوطني:»
- (۱) بانک مرکزی با تأکید بر آغاز به کار پلتفرم تأمین مالی اعلام کرد که این اقدام به شرکت‌های کوچک و متوسط این امکان را می‌دهد که به خطوط سپرده‌های متغیر دسترسی داشته باشند و هزینه‌های وام را کاهش دهند و بدین صورت گامی محوری در رشد اقتصاد دیجیتال مالی برداشته باشند.
- (۲) بانک مرکزی تأکید کرد با آغاز به کار پلتفرم تأمین مالی دیجیتال، شاهد دسترسی شرکت‌ها و بنگاه‌ها به سرمایه‌های انعطاف‌پذیر هستیم که هزینه‌های وام گرفتن برای آن‌ها را کاهش می‌دهد و این امر گامی کلیدی در توسعه اقتصاد دیجیتال ملی به حساب می‌آید.
- (۳) بانک مرکزی تأکید کرد که راه‌اندازی پلتفرم تأمین سرمایه دیجیتال، دسترسی شرکت‌های کوچک و متوسط را به خطوط اعتباری انعطاف‌پذیر ممکن خواهد ساخت و هزینه‌های وام را کاهش می‌دهد، و این گامی کلیدی در توسعه اقتصاد دیجیتال ملی به شمار می‌آید.
- (۴) بانک مرکزی تأکید داشت که راه‌اندازی سکوی سرمایه‌گذاری دیجیتال، به شرکت‌های کوچک و متوسط این اجازه را می‌دهد که سرمایه خود را بیمه کنند که این باعث کاهش هزینه وام می‌شود و بانک مرکزی این اقدام را گامی موفق در رشد اقتصاد دیجیتال می‌داند.

■ ■ عین الأصحّ و الأنسب للتعبير (۸-۱۰):

- ۸- « قانون‌گذار جدید نظامی را تصویب کرد که دستگاه‌های عمومی را موظف می‌نماید گزارش‌های شفاف سالانه منتشر کنند؛ شامل: حساب تفصیلی بودجه‌ها و پروژه‌های بزرگ:»
- (۱) استقر رأي المشرّع على نظامٍ جديدٍ كلف الإدارات العامة في إزالة الشك عن الحسابات التفصيلية للموازنات و المشاريع الكبرى.
- (۲) أقرّ المشرّع الجديد نظاماً يُلزم الجهات العامة بنشر تقارير سنوية شفافة تتضمّن حساباً تفصيلياً للميزانيات و المشاريع الكبرى.
- (۳) المشرّع الجديد صوّت لصالح نظامٍ جديدٍ يُجبر الجهات العامة في إلقاء تقارير شفافة سنوياً تحتوي على الحساب الرسمي للميزانيات و المشروعات الكبرى.
- (۴) أقرّ المشرّع إطاراً تنظيمياً للجهات العامة، بموجبه على جميعها أخذ إعطاء التقارير الشفافة في السنة بعين الاعتبار، متضمنة الحساب التفصيلي و المشاريع العامة.

- ۹- «رئیس شورای هماهنگی اعلام کرد که ایجاد اختلال در پخش رادیویی، نقض جدی قانون رسانه‌ای محسوب می‌شود و مرتکبان آن را جریمه‌های سنگین مالی و تعلیق مجوز برای مدت معین تهدید می‌کند.»
- (۱) أعلن رئیس مجلس التنسيق أنّ تشويش البثّ الإذاعي يُعدُّ خرقاً جاداً للقانون الإعلاميّ و تهدّد مرتكبيه غرامات مالية ثقيلة و تعليق الرخصة لفترات محدّدة.
- (۲) الغرامات الماليّة الكبيرة و وقف الترخيص لفترات معيّنة هي من المعاقبات التي أعلنها رئيس الهيئة التنسيقية إزاء التشويش على البثّ الإذاعي الذي يُعدُّ خرقاً للقانون.
- (۳) قال رئيس الهيئة التنسيقية بأنّ كلّ إجراء يواجه البثّ الإذاعي بعبء سيكون خرقاً للقانون و يعاقبُ فاعله غرامات ماليّة لا حدّ لها و يُوقّف إجازته لأوقات محدودة.
- (۴) إحداث الخلل في البثّ الإذاعي جريمة قانونيّة حسب قول رئيس مجلس التنسيق و سيضمن لمرتكبيه الغرامات الماليّة و وقف الإجازة لأوقات محدّدة.
- ۱۰- «با عنایت به تحولات منطقه‌ای و جهانی پیچیده و در حال توسعه و همچنین وجود برخی از چالش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی، کشور نیاز مبرم به تدوین سیاست‌های جامع در جهت حفظ منافع ملی دارد.»
- (۱) نظرًا إلى ما يواجهه البلاد من التطوّرات الإقليميّة و العالميّة التي تكون أكثر صعوبةً و تصاعدًا يومًا بعد يوم، صياغة سياساتٍ شاملةٍ لحفظ المصالح الوطنيّة تظهر أمرًا ضروريًا أكثر من قبل و ذلك بسبب وجود بعضٍ من التحدّيات السياسيّة و الاقتصاديّة و الأمنيّة.
- (۲) مع التحوّلات المعقّدة و المتسارعة على صعيد العالم و المنطقة، تواجه بلادنا مجموعة واسعة من الصّعوبات السياسيّة و الاقتصاديّة و الأمنيّة، ما يجزّ البلاد إلى اتّخاذ خطّوات كبيرة في صياغة السياسات الشاملة بهدف حفظ المصالح الوطنيّة.
- (۳) تحتاج الدولة احتیاجًا صارمًا لصياغة شاملة في مجال السياسة و ذلك بهدف حفظ المصالح الوطنيّة و نظرًا إلى التغيّرات المحليّة و العالميّة الصّعبة و المتزايدة، و كذلك وجود بعض الصّعوبات السياسيّة و الاقتصاديّة و الأمنيّة.
- (۴) بالنظر إلى التحوّلات الإقليميّة و العالميّة المعقّدة و المتصاعدة و كذلك بعض التحدّيات السياسيّة و الاقتصاديّة و الأمنيّة الموجودة، البلاد بحاجة ماسّة إلى صياغة السياسات الشاملة لضمان الحفاظ على المصالح الوطنيّة.
- ۱۱- «اگر آن معاهده تاریخی به امضا نمی‌رسید، بدون تردید جغرافیای سیاسی منطقه به کلی دگرگون می‌شد.»
- (۱) لولا وُقوع تلك المعاهدة التاريخية، لتبدّلت جغرافية المنطقة السياسية تبدلاً كلياً دون ريب.
- (۲) لو لم توقّع تلك المعاهدة التاريخية، لتحوّلت جغرافية المنطقة السياسية تحوّلًا تاماً بلا ريب.
- (۳) لولا تمّ التوقيع على تلك المعاهدة التاريخية، لتغيّرت جغرافية المنطقة السياسيّة لا محالة.
- (۴) لو لم يكن تلك المعاهدة التاريخية أن توقّع، لكانت جغرافية المنطقة السياسيّة قد تبدّلت كلياً دون شك.
- ۱۲- «نابرابری در حصول فرصت‌ها، نه یک ناهنجاری گذرا که بیماری ساختاری مزمنی در کالبد جامعه است.»
- (۱) لَيْسَ التّفاوتُ في نيل الفرصِ اعتلالاً زائلاً، و إنّما علّة تركيبية مزمنة في هيكل المُجتمع.
- (۲) إنّ الغَيْرَ مُساواة في كَسبِ الفرصِ لَيْسَ بِخَللٍ مُوقَّتٍ، بل مَرَضٌ بُنْيَوِيٌّ قَدِيمٌ في بَدَنِ المُجتمع.
- (۳) لَا يَعدُّ الخللُ في بلوغ الفرصِ شذوذاً مُوقَّتاً، بل هو مرض بنائِيٌّ طويل الأمد في جسم المُجتمع.
- (۴) لَيْسَ التّبَايُنُ في الحصول على الفرصِ شذوذاً عابراً، بل هو داء هيكليّ مزمنٌ في جسد المُجتمع.

■ ■ عین المناسب للجواب (۱۳-۱۵):

۱۳- « إن الأرواح العظيمة تخاطبنا همساً و لكننا لانسمعها لأن ضجيج العالم ملأ آذاننا.» عین الصحيح في ترجمة العبارة على اساس «محوية المؤلف»:

- ۱) ارواح بزرگ در سکوتی رازآمیز با زمزمه‌ای آرام ما را فرا می‌خوانند، اما ما از شنیدن آن ناتوانیم زیرا غوغای جهان گوش‌هایمان را پر کرده و پرده‌ای از هیاهو بر آن افکنده است.
- ۲) روح‌های آدم‌های بزرگ موقعی که با ما حرف می‌زنند، مثل در گوشه حرف زدن است، به خاطر اینکه سر و صدای دنیا نمی‌گذارد حرف‌های آن‌ها به گوش ما برسد.
- ۳) آدم‌های بزرگ آرام حرف می‌زنند اما ما صدای آن‌ها را نمی‌شنویم چون سر و صدا و شلوغی دنیا اجازه شنیدن حرف‌های آن‌ها را به ما نمی‌دهد.

۴) صدای آدم‌های بزرگ خیلی آرام است ولی ما معمولاً نمی‌شنویم چون سر و صدای دنیا نمی‌گذارد.

۱۴- عین تعریباً حاول المعرب انتقال المعاني المعنوية من المفردات المادية في البيت التالي:

- « من بنده أن دمم که ساقی گوید: یک جام دگر بگیر و من نتوانم»
- ۱) ما أجمل الساقی إذ نادى تتاول الخمر و رأسی دائخ
  - ۲) ما أطيّب الشرب و الساقی يناولني كأساً و تعجز عن أخذ الكؤوس يدي
  - ۳) ما أعذب الساقی إذ قال لي تتاول الخمر و رأسی يميل
  - ۴) أميل من السكر إذ هو غنى و أصحو على خمره حين أبدي

۱۵- عین ترجمة للبيت التالي روعيت فيها ثقافة الشاعر في لغة المبدأ:

« يذكري طلوع الشمس صخرًا و أذكره لكل غروب شمس»

- ۱) صبح و شام در فکر و یاد «صخر» هستم و هیچگاه او را فراموش نمی‌کنم.
- ۲) طلوع خورشید، زیبایی «صخر» و غروبش، مظلومیت او را به یاد می‌آورد.
- ۳) طلوع خورشید مرا به یاد جنگاوری و دلآوری «صخر» می‌اندازد و غروبش، سخاوت او را به یاد می‌آورد.
- ۴) سر زدن خورشید در آسمان یادآوری‌های «صخر» را زنده می‌کند و هنگام پنهان شدن خورشید، رفتنش را به یاد می‌آورد.

■ ■ عین الصحيح للجواب في الإعراب و التحليل الصرفي (۱۶-۱۹):

۱۶- ﴿ و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرًا و أعظم أجرًا﴾

- ۱) تجدوا: معتل و مثال، معرب/ جواب شرط و مجزوم و مع فاعله جملة لا محلّ لها من الإعراب.
- ۲) هو: ضمير منفصل للرفع، معرفة/ مؤكّد لـ «الله» و ضمير فصل لا محلّ له من الإعراب.
- ۳) خيرًا: مشتق، صفة مشبّهة، منصرف/ حال و عاملها «تجدوا» و صاحب الحال «هو».
- ۴) تقدّموا: من باب تفعيل، متعدّ/ فعل شرط و مجزوم محلاً و «من خير» مفعوله و «من» زائدة.

۱۷- « من ذا الذي ترضى سجاياه كلها كفى المرء نبلا أن تعدّ معاييه »

- (۱) المرء: معرف بالجنسية، صحيح الآخر/ فاعل و مرفوع ظاهراً.
- (۲) الذي: موصول خاص، جامد، ممنوع من الصرف/ نعت لـ «ذا» و مرفوع محلاً.
- (۳) ترضى: مضارع للمخاطب، معتل و ناقص اعلاله بالإسكان، متعدّ/ خبر و مرفوع تقديرًا و كذلك صلة و لا محلّ لها من الإعراب.
- (۴) تعدّ: مضارع للغائبة، صحيح و مضاعف/ منصوب بـ «أن» و الجملة تؤوّل إلى المصدر تأويله «عدّ»، فاعل و مرفوع محلاً لـ «كفى».

۱۸- ﴿ هذا فوج مقتحم معكم لا مرحبا بهم إنهم صالو النار ﴾

- (۱) مرحباً: مشتق و اسم مكان (مصدره: رحب)، نكرة/ اسم لا النافية للجنس و مبني على الفتح.
  - (۲) بهم: جار و مجرور و متعلقهما «مرحباً» و خبر «لا» و مرفوع محلاً و «لا مرحبا بهم» جملة دعائية.
  - (۳) صالو: اسم، مشتق اسم فاعل من مادة «صلى-»، نكرة، منقوص/ أضيف في المعنى إلى المفعول به.
  - (۴) مع: معرفة، معرب/ مفعول فيه و منصوب و متعلقه «مقتحم» و صفة لـ «مقتحم» و مرفوع محلاً.
- ۱۹- « أراك عصي الدمع شيمتك الصبر أما للهوى نهى عليك و لا أمر »
- (۱) شيمة: مشتق (صفة مشبهة) معرف بالإضافة/ مبتدأ و مرفوع و مع خبره حال و منصوب محلاً و صاحب الحال «الدمع».
  - (۲) عصي: صفة مشبهة (مصدره «عصيان»)، معرب، صحيح الآخر/ مفعول ثان و منصوب و «الدمع» فاعله و محلاً مرفوع.
  - (۳) أرى: فعل من أفعال القلوب، معتل و ناقص، مجرّد ثلاثي من مادة «أرى»/«عصي» حال و صاحب الحال ضمير «أنا».
  - (۴) نهى: جامد (مصدر)، صحيح الآخر، منصرف/ مبتدأ مؤخر وجوباً و مرفوع و الجملة اسمية.

■ ■ عین المناسب للجواب في القواعد (۲۰-۲۹):

- ۲۰- « عین الكلام الذي تكون كل مفرداته مبنية »:
- (۱) هم الذين دعوا من لا خير فيهم و لا نفع.
  - (۲) أنتم هؤلاء تدعون ما لا خير فيه لكم.
  - (۳) أنثن هؤلاء، تدعون من لا عون لكن.
  - (۴) أنا الذي دعا أمس ما لا ينفعه.
- ۲۱- عین الخطأ في تعيين وزن الكلمات:
- (۱) إحمر: افتعل (۲) يضع: يعل
  - (۳) انحناء: انفعال (۴) خاص: فاعل
- ۲۲- عین ما هو تاؤه تختلف عن البقية:
- (۱) معتزلة، أفارقة، مناطق.
  - (۲) زنادقة، تلامذة، أساتذة.
  - (۳) حنابلة، مغاربة، عباقرة.
  - (۴) أفاغنة، أشاعرة، أدارسة.

- ۲۳- عَيْنَ مَا لَا يَجُوزُ حَذْفُ الْعَائِدِ أَوْ صَدْرِ الصَّلَةِ فِيهِ:
- ١) كان الـركب قد هاموا و شربوا مما هم شاربوه.
  - ٢) حمل الحطّاب الفأس الذي يحمله كل صباح معه.
  - ٣) وجود الكريم الفقير الذي هو طالب خيرات الآخرين.
  - ٤) السحب التي هي فوقنا استحالت إلى أمطار غزيرة.
- ۲۴- « ناصر زيد عمراً في الرزية التي حلت بالبلاد أخيراً ». عَيْنَ الصَّحِيحِ:
- ١) ربّما كان زيد قبل عمرو بدأ بالمناصرة!
  - ٢) لم يكن عمرو ناصرًا في هذه البلية الأخيرة!
  - ٣) لم يكن زيد منصورًا بتاتا بخلاف عمرو!
  - ٤) كان عمرو مناصرًا طول عملية المناصرة و لم يتغيّر!
- ۲۵- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي نَوْعِيَّةِ «حَتَّى»:
- ١) صبغت الغرفة حتى سقفيها = لم أصبغ السقف بعد!
  - ٢) أكلت الفاكهة حتى قشرها = أكلت قشر الفاكهة أيضا!
  - ٣) سافر الفريق حتى المدرب = سافر المدرب كما سافر أعضاء الفريق!!
  - ٤) حضرت الاجتماع حتى بدأ الخطيب بمحاضرته = بدء الخطابة كان بعد حضوري البتة!
- ۲۶- ﴿وَالَّذِينَ يَمْسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾
- حذف الرابط في الخبر .... عَيْنَ الْخَطَأِ:
- ١) لا تساع دائرة الأجر و شموليته.
  - ٢) للإشارة إلى أن الخبر محذوف.
  - ٣) حتى لا يطمئنوا بأنهم من المصلحين، بل عليهم بالرجاء و الأمل.
  - ٤) حتى يصرح أن الأجر لا يختص بـ «الذين ...» بل يشمل غير هؤلاء من المصلحين كذلك.
- ۲۷- عَيْنَ الْوَاوِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا عَنِ الْبَاقِي:
- ١) كُنْ أَنْتَ وَ ابْنُ عَمِّكَ مُتَوَافِقًا فِي الْعَمَلِ!
  - ٢) رَأَيْتَكَ أَنْتَ وَ زَمِيلِنَا مَا شِئْنَا عَلَى الرَّصِيفِ!
  - ٣) سَارَ الصَّدِيقَانِ وَ هَوْلَاءُ، مُتَبَسِّمِينَ بِاتِّجَاهِ الْمَدِينَةِ!
  - ٤) اشْتَرَكِ الْمَسَافِرُ وَ السَّائِقُ سَاعِيَيْنَ لِرَفْعِ مَسْتَوَى السِّيَاقَةِ!
- ۲۸- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الدَّلَالَةِ النَّحْوِيَّةِ:
- ١) اصبر صبرا جميلا = يقصد صبر مقيد بالزمان لكنه أقوى و أشد من البقية!
  - ٢) صبرا جميلا = طلب صبر مقيد بالزمان متغير متجدد!
  - ٣) صبر جميل = يراد صبر غير موقوت لا ينقطع!
  - ٤) صبري صبر جميل = إخبار عن صبر قد حدث!

۲۹- « لا تقصّر في عمك فتفشل ». عین الخطأ:

- ۱) فتفشل = للاجتتاب عن وقوع الفشل فعليك بألا تقصّر!
- ۲) تفشل = حصول الفشل لا يرتبط بالتقصير فانه سيقع!
- ۳) فتفشل = كما أن عليك ألا تقصّر فكذاك عليك ألا تفشل!
- ۴) فتفشل = الفعل يؤول إلى المصدر تقديره: « ففشلك » مبتدأ مؤخر و « لا تقصّر » خبر مقدم.

■ ■ عین المناسب للجواب (۳۰-۴۰):

۳۰- « فدع الوعيد فما وعيدك ضائري أظنين أجنحة الذباب يضير » انتخب الأكمل و الأدق:

- ۱) شبه الشاعر صوت وعيد المخاطب و تهديده بصوت أجنحة الذباب تشبيها صريحا.
- ۲) وبخ الشاعر المخاطب عن طريق الأمر، ثم حرّضه بالاستفهام على ما يجب تحصيله.
- ۳) استخدم الشاعر الأمر و الاستفهام لتحقير المخاطب، و صور ذلك في قالب التشبيه الضمني.
- ۴) غرض الشاعر من الأمر، نهي المخاطب عن الوعيد و التهديد؛ و قصده من الاستفهام التقرير من المخاطب.

۳۱- يدل تنكير المسند إليه على التحقير في ....:

- ۱) في قصة يوسف(ع): ﴿ و جاءت سيارّة فارسلوا واردهم فأدلى دلوه ﴾
- ۲) قال إخوة يوسف(ع): ﴿ قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل ﴾
- ۳) ﴿ و إن يكذبوك فقد كذبت رسل من قبلك ﴾
- ۴) ﴿ أتى يكون لي غلام و قد بلغني الكبر ﴾

۳۲- عین الأدق و الأفصح في مفهوم « إنما المؤمنون إخوة » ( نظراً إلى المحصور و المحصور عليه فيها):

- ۱) تنها مؤمنان به ييمان برادری و دوستی وفادارند.
- ۲) برادری و دوستی تنها از آن مؤمنان است و بس.
- ۳) مؤمنان را تنها برادری و دوستی سزد و دیگر هیچ.
- ۴) تنها مؤمنان شایسته برادری و دوستی هستند نه دیگران.

۳۳- ﴿ و ما يستوي الأعمى و البصير ﴾، ﴿ و لا تستوي الحسنة و لا السيئة ﴾. عین الخطأ:

- ۱) الغرض من القاء الخبر هو الإفادة حيث إن المخاطب فيهما كان جاهلاً بالموضوع!
- ۲) لم تأت « لا » في الأولى لأن عدم استواء الأمرين واضح و لا مجال فيه للشك!
- ۳) في الأولى إشارة إلى زمان الحال ولكن الثانية تشير إلى وقوع المسألة في المستقبل!
- ۴) في الثانية ذكرت أداة « لا » للتأكيد على عدم الاستواء في حالة اجتماعهما أو انفصالهما!

۳۴- « فلا تأمن الدنيا و إن هي أقبلت عليك فما زالت تخون و تغدر». عین الخطأ:

- (۱) « تخون» يشير إلى استمرارية الدنيا و حالاتها؛ فانها إضافة إلى هذا، تنتوع في مواجهاتها كذلك.
- (۲) ربما الشاعر يعتقد أن إقبال الدنيا سيقع قليلاً و لا يحدث كثيراً أو جعل الأمر احتمالياً!
- (۳) أشار الشاعر إلى موقوتية الإقبال فانه يأتي و يذهب فلا اعتماد على حالاتها!
- (۴) إقبال الدنيا بملاطفة و مرونة فهذا لا تستنبط منها الشدة و القوة و السيطرة.

۳۵- « طول التعاشر بين الناس مملول ما لابن آدم إن فتشت معقول». عین الخطأ:

- (۱) تقديم شبه الجملة في المصراع الأول لبيان اهميته و حصره و بيان أنه لم يكن معمولاً لـ « مملول»!
- (۲) لم يكن المخاطب تجاه الموضوع خالي الذهن فربما كان يعتقد على خلاف فكرة الشاعر!
- (۳) إن الشاعر في المصراع الأول يتكلم عن أمر ثابت لا يتغير فكأنه سنة لا تتحول!
- (۴) التقديم في المصراع الثاني للفت الانتباه إلى الخبر و كونه مهتمًا به عند الشاعر!

۳۶- عین ما يختلف في نوع التشبيه:

- (۱) وجود علينا السيل منها و يغمز/ كأن يمينها سحاب مغمم
- (۲) و كأن في عينها الليل ساكنًا / و البدر يشرق من ثنانيا مقلتها
- (۳) هو بحر السّماح و الجود فازدد / منه قريبًا تزدد من الفقر بعدا
- (۴) و تراه في ظلم الوغى فتخاله / قمرًا يكرّ على الرجال بكوكب

۳۷- عین الصحيح بالنسبة إلى الاستعارة في البيت التالي:

« حَجَلُ الْوَرْدِ حِينَ لَاحِظَهُ النَّرْجِسُ / مِنْ حَسَنِهِ وَ غَارِ الْبَهَارِ »

- (۱) استعارة تصريحية غير تمثيلية مطلقة.
- (۲) استعارة مكنية و مجردة و أيضًا تمثيلية.
- (۳) استعارة مكنية و مطلقة و تمثيلية.
- (۴) استعارة مصرحة تبعية و مطلقة.

۳۸- عین الخطأ في المعنى المقصود بالكناية:

- (۱) فَمَسَّاهُمْ وَ بُسَطَهُمْ حَرِيرٌ
  - (۲) سَتَبَكِي شَجْوَهَا فَرَسِي وَ مُهْرِي
  - (۳) فُوَادٌ مَا تُسَالِّيهِ الْمُدَامُ
  - (۴) طَوِيلُ النَّجَادِ رَفِيعُ الْعِمَادِ
- وَصَبَّحَهُمْ وَ بُسَطَهُمْ تَرَابٌ ← (السيادة و العزة/ الذلة و الفقر و المهانة)
- صَفَانِحُ دَمْعُهَا مَاءُ الْجِسْمِ ← (تعرق البدن أثناء الحرب)
- وَ عُمُرٌ مِثْلُ مَا تَهَبُّ اللَّئَامُ ← (كناية عن قلة العمر)
- كثِيرُ الرَّمَادِ إِذَا مَا شَتَا ← (سيد القوم)

۳۹- عین المحسن البديعي في البيت التالي:

« فجود كفيه لم تقلع سحائبه عن العباد و جود السحب لم يدم »

- (۱) التفريق
- (۲) الجمع
- (۳) الجمع مع التفريق
- (۴) الجمع مع التقسيم

۴۰- عین البيت الذي يختلف بحره:

- (۱) فبأيما قدّم سعيت إلى العُلا
  - (۲) إذا لم تستطع شيئاً فدعه
  - (۳) فأصاب بالدنيا الحكيمة منها
  - (۴) يتعاونان على التفو
- أدّم الهلال لأخصيك حذاء
- و جاوزه إلى ما تستطيع
- و بحسن تربية الزمان بديلا
- س فذا الحمام و ذا السّيّاق

■ ■ عین المناسب للجواب في الأسئلة التالية (٤١-٥٧):

٤١- ما المقصود من مصطلح « الحوليات » في الشعر و هو منسوب لأيّ شاعر من شعراء الجاهلي؟

(١) الشعر الذي كان يقضي الشاعر حولاً كاملاً في نظمها ثم في تهذيبها ثم في عرضها على أخصائيه.  
و رائد هذا النوع من الشعر هو أوس بن حجر.

(٢) الشعر الذي كان يقضي الشاعر سنواتٍ في نظمه ثم في ترتيبه و ذلك منسوب إلى زهير بن أبي سلمى.

(٣) الشعر الذي ينشده الشاعر على وزن « لاحول و لاقوة إلا بالله » و هو منسوب إلى « الأعشى ».

(٤) الشعر الذي كانوا يعلقونه على جدران الكعبة و هو منسوب إلى « النابغة الذبياني ».

٤٢- عین الخطأ في العصر الأموي:

(١) شاع في الحجاز الشعر السياسي و الغزل الصريح إلى جانب الشعر الغنائي و أدب الزهد.

(٢) شاع في خراسان شعر المدح و الهجاء و شعر الفتوح شيوعاً عظيماً.

(٣) شاع الغزل العفيف بين أصحاب البوادي و الحواضر آنذاك.

(٤) شاع في الكوفة و البصرة الشعر السياسي و شعر الزهد و التقوى.

٤٣- عین الصحيح في « جرير » و « الأخطل »:

(١) كان هجاء « جرير » خالياً من الإقذاع و كان « الأخطل » لسان قومه لدى بني أمية.

(٢) كان « الأخطل » هجا الأنصار و شاعرهم و ذلك مهّد الطريق لكي يتصل بالأمويين.

(٣) كان الغزل عند جرير فناً مستقلاً و لذلك كان فوق « الأخطل » خيالا و تفكيراً و جزالة.

(٤) يجتنب « جرير » في هجوه آباء المهجور و ذويه و كان « الأخطل » مغضوباً عند خلفاء عصره.

٤٤- من هم كبار المبدعين في النثر العربي؟

(١) جاحظ، ابن العميد، القاضي الفاضل، مبرد.

(٢) ابن المقفع، جاحظ، ابن اثير، ابن العميد.

(٣) عبدالحميد الكاتب، ابن المقفع، الحريري، جاحظ.

(٤) عبدالحميد الكاتب، ابن المقفع، ابن العميد، القاضي الفاضل.

٤٥- ما هي مصادر الجاحظ العربية و الأجنبية في تأليف كتاب الحيوان؟ أثار .....

(١) الأصمعي و ابن عبد ربّه و بشر بن المعتمر و كتب ابن المقفع و أفلاطون.

(٢) عبدالحميد الكاتب و ابن المقفع و الأصمعي و الرازي و أساطير الفرس.

(٣) ابن سلام الجمحي و ابن طباطبا و كتب جالينوس و بقراط و أساطير اليونان.

(٤) الأصمعي و أبي عبيدة و بشر بن المعتمر و كتب أرسطو و جالينوس و أساطير الفرس.

۴۶- ما المقصود من « الروميات » و من نظمها؟

- ۱) الأبيات التي نظمها الصنوبري في أنطاكية.
- ۲) القصائد التي نظمها ابوفراس في أسره ببلاد الروم.
- ۳) القصائد التي نظمها المتنبي في فتح قلاع الروم.
- ۴) الرسائل التي رتبها عبدالحميد الكاتب في وصف الروميين.

۴۷- ما هي مظاهر التجديد في شعر أبي نواس؟

- ۱) الطرديات و الخمریات و الزهديات و الغلاميات
- ۲) الخمریات و الروميات و الزهديات و الغلاميات
- ۳) الطرديات و الخمریات و المدائح و الغزليات
- ۴) الخمریات و الطرديات و المدائح و الهجويات

۴۸- عين الصحيح في ابن حزم؟

- ۱) له مؤلفات كثيرة في الفقه و المذاهب مثل « المحلى » و « مراتب الإجماع » و في الأنساب و الأخبار « الجمهرة » و « طوق الحمامة » حيث يتطرق فيه إلى المسائل العقلية.
- ۲) لكتاب طوق الحمامة موضوع في مجال الحيوانات، يمتاز بالطرافة و فيه بعض الغموض و التعقيد و التصنيع و المبالغة في إيراد النماذج الشعرية.
- ۳) رائد مدرسة الظاهريين و أعلم علماء عصره في الأندلس، كان يعتقد بوجوب الأخذ بظاهر النصوص.
- ۴) قيل إنه من أصل إيراني أو أصل إسباني ولد في بلنسية من أب كان وزيراً عالمًا و بلاغيًا.

۴۹- ما هي أهم ميزات الشعر في عصر الانحطاط (التركي) و من هم أشهر شعراء ذلك العصر و آثارهم؟

- ۱) الميزات: التتميق اللفظي و التورية و الالتزام بما لا يلزم. و الشعراء: صفي الدين الحلبي بأرتقياته و بوصيري بمدائحه النبوية و ابن نباتة بالمؤيدات.
- ۲) الميزات: التتميق اللفظي و التورية و الترسل. الشعراء: صفي الدين الحلبي بالمكتوبات و ابن الوردي بلاميته و بوصيري بمدائحه النبوية.
- ۳) الميزات: التورية و الالتزام بما لا يلزم و التسجيع. الشعراء: ابن الوردي بلاميته و صفي الدين الحلبي بأرتقياته و بوصيري بمقاماته.
- ۴) الميزات: التتميق اللفظي و التورية و التجديد. الشعراء: صفي الدين الحلبي بمقاماته و بوصيري بمدائحه النبوية و ابن نباتة بالمؤيدات.

۵۰- آیه ظاهراً ادبیه دخلت الادب الفارسی من الأدب العربی؟

- ۱) قصّة شیرین و فرهاد.
- ۲) الأدب التعلیمی و الأخلاقی.
- ۳) القضايا الملحمیة و دور الأبطال فیها.
- ۴) الوقوف علی الأطلال و الدّمن و قصّة مجنون لیلی.

۵۱- عین الخطأ:

- ۱) فی مجال الأدب المقارن، يشعر الكاتب الذي يحاكي الآخرين، أنه بصدد البحث عمّن يشبهون مواطنیه، ولكن فی الواقع هو يشعر أنهم مشاركوه فی وطنه الفكري المثالي.
- ۲) محور التأثر فی الأدب أو الاستفادة من الآداب الأخری يأتي تقليدًا للآداب العالمیة، و السبب البارز فی ظهور هذا المحور هو الانبهار الثقافي للأديب.
- ۳) من العوامل العامّة لعالمیة الأدب تمكن الإشارة إلى شعور ذوي المواهب بعدم كفاية أدبهم القومي للاستجابة لحاجات عصرهم.
- ۴) من ميزات الاهتمام بالأدب المقارن هي جدلية التأثير و التأثر الذي يُتيح فرصةً للتنافس فی ضمان تقدّم الأدب الوطني و القومي.

۵۲- إملأ الفراغ بالكلمة الصحيحة:

« يقول طه حسين: كنت أسمع شعره و شعر حافظ و شوقي؛ فأوثر شعر ... فی وجه حافظ و شوقي و هما يسمعان و يعرفان و لا يتكرران أو لا تنكر أسنتهما على كل حال.»

۱) المازني      ۲) أبوشادي      ۳) خليل مطران      ۴) العقاد

۵۳- عین ما لا يتناسب مع المدرسة الرومنسية:

- ۱) الابتعاد عن شعر المناسبات و وضوح الجانب الفكري من أمارات هذه المدرسة.
- ۲) نشاهد فی الأدب الرومنسي التطلع إلى المثل العليا و الطموح الذي يتجاوز روح المصر.
- ۳) على أساس هذه النظرة، على الأديب أن يتحرّر من سيطرة المحسنات البديعيّة و الصناعة اللفظية.
- ۴) من رواد هذه المدرسة هو « أحمد شوقي» حيث نظر إلى القصيدة كبناء مترابط متآلف يسمو إلى الأعلى.

۵۴- عین الخطأ:

- ۱) من أهم نواعي ظهور الرمزية فی الأدب تُمكن الإشارة إلى توغّل الأديب في آلامهم النفسية.
- ۲) التقليد فی المدرسة الكلاسيكية هو اتّباع العقل و الاعتماد عليه في خلق الآثار الأدبية.
- ۳) الآراء التي أبدأها العالم النفسي ( زيغمووند فرويد) قد أثّرت بشكل مباشر على ظهور المدرسة السوريبالية.
- ۴) على أساس رؤية إميل زولا في الطبّعانية، يمكن للأديب التخلّص من الملابس الخارجية، لاسيّما البيئية.

۵۵- عین الخطأ فی النقد الحدائي:

- ۱) إنّه يعتقد بأنّ النصّ إشارة إلى أحداث أو أفكار أو بنيات أو علاقات أخرى خارجة عن النص.
- ۲) إنّه يحارب الأيديولوجيا و يدعو إلى التحرّر منها. فلماذا نرى النسيبة أكثر من القطعية.
- ۳) هو الخروج الدائم على المؤلف، و خرقاً للمعهود من أجل الإبهار و الإدهاش.
- ۴) هو اليوم يشبه الكرنفال الكبير، من حيث الاختلاط و الاضطراب و الحرية.

## ۵۶- عین الصحیح فی المناهج النقدية:

- ۱) فی النقد البنيوي يمكن القاري، أن يخرج من إطار النص و ليس محكومًا بدلالته.
- ۲) النقد التفكيكي هو أن نزيح و نعزل ما قد تمّ إضافته بفعل وظيفة الموروث.
- ۳) فی نظرية التلقي مع أنّ القارئ، يلعب دورًا بارزًا ولكن المؤلف هو خالق النص.
- ۴) الشكلائية لا تعتقد بأنّ الأدب تمثیل للحياة أو الواقع بل تعتقد بأنّه يعكس الرؤية الكونية للكاتب.

## ۵۷- عین الخطأ فی « المنهج النفسي »:

- ۱) يعتقد «عقاد» أن هذا المنهج هو أصلح المناهج النقدية لفهم شخصية الأديب.
- ۲) «طه حسين» في كتابه عن أبي العلاء المعري و سائر كتبه استفاد من هذا المنهج.
- ۳) «أمين الخولي» ممن تأثر بهذا المنهج و كتب نصًا حول « البلاغة و علم النفس ».
- ۴) من المناوئين المعاصرين لهذا المنهج « عز الدين إسماعيل » الذي سعى لإبعاد القارئ عن هذه المقاربة.

■ ■ ■ اقرأ النصوص التالية (الف - ب - ج - د - هـ - و - ز) ثمّ أجب عن الأسئلة التالية بما يناسب (۵۸-۸۰):

## الف - (۵۸-۶۰)

جاء في سورة الرعد؛ الآية الخامسة إلى السابعة:

﴿ و إن تعجب فعجب قولهم أ إذا كنا ترابا أ إنا لفي خلق جديد أولئك الذين كفروا بربهم و أولئك الأغلال في أعناقهم و أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون و يستعجلونك بالسيئة قبل الحسنة و قد خلت من قبلهم المثلات و إن ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم و إن ربك لشديد العقاب و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه إنما أنت منذر و لكل قوم هاد﴾

## ۵۸- من أمارات الكفر:

- ۱) إنكار المعاد.
- ۲) الخلود في النار.
- ۳) الاستعجال بالحسنة.
- ۴) الإعجاب بالخلق الجديد.

## ۵۹- عین الخطأ:

- ۱) القيود ملصقة بهؤلاء من داخلهم لا من خارجهم!
- ۲) إنزال الآية من الله على نبيه قد شغل ذهن الكافرين!
- ۳) هؤلاء لم يجعلوا الماضي و التاريخ نبراسًا لمستقبلهم و حياتهم!
- ۴) من أمارات استعجالهم بالسيئات هو فقدان العبرة ممّا حدث!

## ۶۰- جواب أيّ سؤال لم يأت في النصّ؟

- ۱) هل يمكن أن تُرفع القيود من أصحاب النار؟
- ۲) من أبدى إعجابه من قول الكافرين؟
- ۳) لماذا طلب الكفرة إنزال آية؟
- ۴) ما هي مهمّة الرسول (ص)؟

ب - (۶۱-۶۳)

كتب الإمام عليّ (ع) إلى محمد بن أبي بكر حين قلّده مصر:

« فاقض لهم جناحك و ألن لهم جانبك و ايسط لهم وجهك و آس بينهم في اللحظة و النظرة حتى لا يطمع العظماء في حيفك لهم و لا ييأس الضعفاء من عدلك بهم. فان الله تعالى يسائلكم معشر عباده عن الصغيرة من أعمالكم و الكبيرة و الظاهرة و المستورة ... يا محمد بن أبي بكر! قد وليتك أعظم أجنادي في نفسي أهل مصر فأنت محقوق أن تخالف على نفسك و أن تنافح عن دينك و لو لم يكن لك إلا ساعة من الدهر و لاسخط الله برضى أحد من خلقه فإن في الله خلفاً من غيره و ليس من الله خلف في غيره.»

۶۱- أساس توصية الإمام إلى عامله في إدارة الحكم هو ...:

- ۱) تحسين الأقوال.
- ۲) تسديد الأعمال.
- ۳) المناقحة و الحماية عن الدين.
- ۴) الخوف من الله و الترغيب إليه.

۶۲- ماذا لم يطلب الإمام من عامله؟

- ۱) الالتفات نحو ﴿ إن تك متقال ذرة .... يأت بها الله﴾
- ۲) ايجاد اليأس في الملاء حول إمكانية الظلم!
- ۳) أن يتكلم بكلام جميل و قول كريم.
- ۴) ﴿ فاقتلوا أنفسكم﴾

۶۳- « فان في الله خلفاً من غيره و ليس من الله خلف في غيره.» عيّن الصحيح في المقصود من العبارة:

- ۱) الله خلفاء لم يكونوا مثله لانه ليس كمثلته شيء!
- ۲) إن رضا الله يخلف كل شيء و لكن لا شيء يخلف رضا الله!
- ۳) هناك خلفاء يأتون من جانبه لكنّه لا يأتي أحد من غيرالله بدله!
- ۴) هناك خلفاء يدعون أنهم من جانب الله لكنّه لا يجعل عن جانبه أحدًا يخلفه!

ج - (۶۴-۶۷)

أنشد « طرفة بن العبد» في معلقته:

- ۱- كريم يروى نفسه في حياته
- ۲- فذرنى أروى هامتي في حياتها
- ۳- لعمرك إن الموت ما أخطأ الفتى
- ۴- أرى الموت يغتام الكرام و يصطفي
- ۵- أرى العيش كنزاً ناقصاً كل ليلة
- ۶- أرى الموت أعداد النفوس و لا أرى
- مخافة شرب في الممات مصرّد
- ستعلم إن متنا صدى أيّنا الصّدي
- لكا لظّول المرخى و ثيابه باليد
- عقباة مال الفاحش المتشدّد
- و ما تنقص الأيام و الدهر ينفد
- بعيداً غداً ما أقرب اليوم من غد

۶۴- عین الصحيح في شرح المصارع التالية:

- ۱) ستعلم إن متنا صدی أینا الصّدي = سرعان ما تعلم أینا أكثر عطشاً بالموت!؟
- ۲) مخافة شرب في الممات مصرّد = أخاف أن يكون شربي مقطوعاً قبل الزّي، بالموت.
- ۳) فذرنی أروّي هامتي في حياتها = اسمح أن أسقي وجودي الشراب كلما عطش و أراد.
- ۴) أرى الموت أعداد النفوس = الموت آلة لایجاد الاستعداد للنفوس حتى يهيئوا أنفسهم للرحلة!

۶۵- عین الخطأ:

- ۱) الموت یختار أنفس أموال البخیل!
- ۲) من أمارات کرامتي أنني أعیش في الحال!
- ۳) الحياة کنز ناقص و ليس بکامل فعلینا ألا نأمل بها!
- ۴) الأجل کالحبل في عنق الإنسان ففي لحظة یجرّ فنختق!

۶۶- عین عبارة لا تتاسب ما جاء في الأبيات:

- ۱) لا جبر و لا تفویض بل أمر بین الأمرین!
- ۲) إن حالت القوس فسهمي صائب!
- ۳) الموت حوض مَورود!
- ۴) فهل یشفى من الموت الدّواء!؟

۶۷- الرؤية الكونية للإنسان الجاهلي هي الاعتقاد ب..... عین الخطأ:

- ۱) زوال الدنيا.
- ۲) القدرية.
- ۳) الابيقورية.
- ۴) المعاد.

د - (۶۸-۷۱)

یتکلم المتنبّي عن سيف الدولة و ذهابه إلى کافور:

- ۱- فراق و من فارقت غیر منمّم
- ۲- و ما منزل اللذات عندي بمنزل
- ۳- رحلت فکم بآک بأجفان شادن
- ۴- فلو کان ما بي من حبيب مقنّع
- ۵- اذا ساء فعل المرء ساءت ظنونه
- ۶- و أحلم عن خلّي و أعلم أنه
- ۷- و إن بذل الانسان لي جود عابس

۶۸- عین الصحيح:

- ۱) سبب مفارقة الشاعر أنه قصد أن يحتفظ بماء وجهه و کرامته.
- ۲) فارق الشاعر سيف الدولة لأنه لم یکن يرى نعمة عنده و تتعمّا یعیش به تحت ظلّه!
- ۳) یرى الشاعر أن الحيوانات كالطّباء قد بکیت علیه لكن الابطال کالأسود لم يتأثروا و لم یفعلوا لفراقه!
- ۴) إذا کان الشاعر یصاب بأذیة من صديق لا یظهر الصداقة یتملّ لكنه أصیب بمن یدعی أنه من رجال العلم!

## ۶۹- عین الخطأ في شرح الأبيات:

- ١) الخامس: إذا أردت أن تحصل على فكرة سليمة فبادر بتحسين تصرفاتك فإن السلامة تكمن في التصرف السديد.
- ٢) الأول: الذي تركته لم يكن منبوهًا و كذلك الشخص الذي أريد أن أذهب إليه فأنه خير غاية.
- ٣) الثاني: أنا لا أعتني بالذات و لا أريدها حين لم يقرّوا بشخصيتي و لم يريدوا تعظيمي.
- ٤) السابع: إذا أعطيت بتعبس فأترك الهبات لكنه يتبسّم علي!

## ۷۰- يعتقد الشاعر .... عین الخطأ:

- ١) أنّ طريق الحصول على المعرفة هو العمل.
- ٢) أنّ منشأ الكثير من تصديقاتنا هو العادات.
- ٣) أنّه لا يواجه الناس في حياته كما واجهوه فعلاً و خلقاً.
- ٤) إذا قصد الكريم المتجهم أن يعطيني شيئاً فاقبله برحاب الصدر و التبسم.

## ۷۱- عین رقم البيت الذي يتكلم الشاعر عن تأثير عمله على الآخرين:

- ١) الرابع      ٢) السادس      ٣) الثاني      ٤) السابع

## هـ - (۷۲-۷۴)

قال ابن الأثير في المثل السائر:

« إن أبا عبادة أتى في شعره بالمعنى المقنود من الصخرة الصماء في اللفظ المصوغ من سلاسة الماء، فادرك بذلك بعد المرام مع قرينه إلى الأفهام. و ما أقول إلا أنه أتى في معانيه بأخلاق الغالية و رقي في ديباجة لفظه إلى الدرجة العالية. إن البحترى أحسن في سبك اللفظ على المعنى و أراد أن يشعر فغنى. و لقد حاز طرفي الرقة و الجزالة على الإطلاق؛ فبينما يكون في شظف نجد حتى يتشبث بريف العراق! أما أبوتمام فإنه ربّ معان و صيقل ألباب و أذهان. قد شهد له بكلّ معنى مبتكر، لم يمش فيه على أثر فهو غير مدافع عن مقام الإغراب الذي برز فيه على الأضراب ... فمن حفظ شعر الرجل و كشف عن غامضه و راض فكره برائضه أطاعته أعنة الكلام.»

## ۷۲- عین الخطأ:

- ١) أراد أن يشعر فغنى: قصد أن يحسّ لكنه بدأ بالغناء.
- ٢) شظف نجد ... ريف العراق: خشونة صحاري نجد ... ليونة و نضارة العراق.
- ٣) أدرك بذلك بعد المرام مع قرينه إلى الأفهام: وصل إلى ذروة المعنى متزامناً الإدراك و الفهم.
- ٤) أتى في معانيه بأخلاق الغالية و رقي في ديباجة لفظه: جاء بتركيب من المواد الثمينة و اللطيفة في نسيج الفاظه.

## ۷۳- عین وصفاً للبحترى لم يأت في النص:

- ١) الجدارة في انتخاب الألفاظ اللينة.
- ٢) التضلع في الجمع بين الرقة و الجزالة.
- ٣) إقتراب إلى الغناء فلم يقم بالشعر.
- ٤) رفعة المعنى من دون صعوبة للوصول اليه.

۷۴- أي وصف لأبي تمام لم يذكر في النص:

- (۱) فاق أقرانه و أتراهه.  
 (۲) يزيد شعره قوّة الذاكرة.  
 (۳) خالق المعاني الابداعية.  
 (۴) فهم شعره يزيد قدرة الكلام.

و- (۷۷-۷۵)

يقول « السّياب » في قصيدة « العودة لجيكور »:

- ۱- من الذي يسمع أشعاري؟  
 من يدفع الظّلماء عن صبحه؟  
 و يبذل الأشواك بالغار؟!  
 \*\*

- ۲- فإن صمت الموت في داري!  
 و الليل في ناري!  
 ۶- أوّاه يا جيكور، لو توجدين!  
 لو تتجبين الروح أو تجهضين!  
 \*\*

- ۳- من الذي يحمل عبء الصليب؟  
 في ذلك الليل الطويل الرهيب!  
 ۷- كي يبصر السّاري نجمًا!  
 يضيء الليل للتانهين!  
 \*\*

- ۴- من ينزل المصلوب عن لوحه؟  
 من يطرد العقبان عن جرحه؟

۷۵- عین الخطأ:

- (۱) في نظرة الشاعر قوَى الجهل و الظلم قد سيطرت على وطنه!  
 (۲) على رغم حضور قوَى الجهل و الظلامه لكنّ الشاعر يأمل أنّ المنجي يأتي!  
 (۳) اتّكأ الشاعر على خارج نفسه أكثر و أشدّ من اتّكائه على داخله و نفسه!  
 (۴) لا يأمل الشاعر بالمستقبل فان الموت و الليل و العقبان و الظلمة تسرّبت في كل شيء!

۷۶- عین رقم البيت الذي يتمنى الشاعر فيه حضور أسطورة « عشتار »:

- (۱) السادس  
 (۲) الخامس  
 (۳) الرابع  
 (۴) الثاني

۷۷- عین الخطأ في فهم العبارات:

- (۱) و يبذل الأشواك بالغار = يجعل الآلام و المصائب في محبس!  
 (۲) من ينزل المصلوب عن لوحه = من الذي ينجي المتألمين و المصابين؟!  
 (۳) من الذي يحمل عبء الصليب = من الذي يقبل أن يتحمّل مسؤولية المعاناة؟!  
 (۴) من الذي يسمع أشعاري ... = في وطن ميّت هل هناك أذن تسمع كلامي؟! كلاً!

ز - (۷۸-۸۰)

يقول سيد قطب:

« إن التجربة الشعورية في العالم الشعوري مرحلة تسبق في نفس صاحبها ثم يليها التعبير عنها في صورة لفظية. أما في العالم الأدبي فلا وجود لهذه التجربة قبل أن يعبر عنها في هذه الصورة اللفظية و إنها لتبقى مضمرة في النفس ملكاً خاصاً لصاحبها فلا تعدّ عملاً أدبياً له وجود خارجي إلا حين تأخذ صورتها اللفظية. و حين يدركها الآخرون فإنها يدركونها من خلال التعبير اللفظي الذي وردت فيه و لا يملكون لها صورة أخرى إلا إذا صوّرت في تعبير لفظي آخر. و في هذه الحالة لا تكون هي بعينها كما صوّرها التعبير الأول؛ فما يستطيع تعبيران مختلفان أدنى اختلاف أن يرسموا صورة واحدة لتجربة شعرية معينة.»

-۷۸ عین الخطأ:

- ۱) إن اللغة ليست انعكاساً للتجربة بل هي التي تولدها و تُنتجها!
- ۲) ليست اللغة آلة للانتقال من حالة إلى أخرى بل هي معمار المعنى!
- ۳) الاختلاف في فهم تجربة شعورية واحدة يظهر في كيفية بيان تلك التجربة!
- ۴) التجربة الشعورية تأتي بعد التجربة الأدبية من جزاء التدقيق في الصورة اللفظية!

-۷۹ عین الخطأ:

- ۱) إنّ الصورة اللفظية هي التي تؤطر و تنظّم التجربة الشعورية.
- ۲) تعتبر التجربة الشعورية مادة تخصّ كل فرد و هي بمنزلة المواد الخام.
- ۳) قوام العمل الأدبي بالتجربة الشعورية فهي مقومة و موحدة و بها تتميز الآثار الأدبية.
- ۴) الصورة اللفظية هي التي تشكّل التجربة الشعورية و تصوّرها و تجعلها تجربة شعورية فريدة.

-۸۰ ما هي الرسالة الأساسية للنص: عین الخطأ:

- ۱) التجربة الشعورية أهمّ و أولى من الصورة اللفظية.
- ۲) بواسطة الصور اللفظية نستطيع أن نقيم التجارب الشعورية.
- ۳) لكل صورة لفظية نراها و نقرأها، تجربة شعورية خاصة تختصّ بها.
- ۴) صورتان لفظيتان مختلفتان تعبران عن تجربتين شعوريتين مختلفتين.